



تحلیل تأثیر سیاست‌ورزی خلافت‌های اسلامی بر گرایش‌های محتوایی مورخان در تدوین متون تاریخی قرون اولیه

نجیب الله احدی^{۱*}، محمد الله قویاش^۲

۱- عضو کادر علمی دیپارتمنت تاریخ پوهنچی تعلیم و تربیه پوهنتون جوزجان- افغانستان. ایمیل: najeebullahahadi@gmail.com

۲- عضو کادر علمی دیپارتمنت تاریخ پوهنچی تعلیم و تربیه پوهنتون جوزجان- افغانستان. ایمیل: quyash2020@gmail.com

* نویسنده مسئول

چکیده

تاریخ‌نگاری اسلامی قرون اولیه، محصول تعامل پیچیده میان مورخان و ساختارهای قدرت سیاسی بوده است. خلافت‌های اسلامی از طریق مکانیسم‌های متنوعی همچون حمایت‌های مالی، ایجاد محدودیت‌های فکری و گفتمان‌سازی، بر چارچوب‌های فکری مورخان تأثیر گذاشته‌اند. هدف این پژوهش، مرور نظام‌مند مکانیسم‌های تأثیرگذاری سیاست‌ورزی خلافت‌های اسلامی بر گرایش‌های محتوایی مورخان در تدوین متون تاریخی قرون اولیه است. با جستجو در پایگاه‌های داده‌ای بین‌المللی (Scopus, PubMed, Google Scholar, Web of Science) و داخلی (SID, علم‌نت، مگیران، نورمگز، ایرانداک)، ۶۰۰ مقاله شناسایی شد. پس از اعمال معیارهای ورود (مرتبط بودن با موضوع، روش‌شناسی شفاف، رویکرد تحلیلی-انتقادی، انتشار در منابع معتبر، دسترسی به متن کامل) و خروج (تمرکز بر دوره‌های غیر از قرون اولیه، عدم بررسی تأثیر سیاست بر محتوای تاریخی، روش‌شناسی نامشخص، انتشار در منابع غیرمعتبر، محتوای تکراری)، ۱۱ پژوهش برای تحلیل نهایی انتخاب شدند. یافته‌ها نشان داد تحولات سیاسی-ایدئولوژیک در ساختار خلافت، به شکل‌گیری گفتمان‌های تاریخی متفاوت منجر شده است. تغییر از خلافت اموی به عباسی، تحولی بنیادین در رویکردهای تاریخ‌نگارانه ایجاد کرده و "سنت سکولار" تاریخ‌نگاری عمدتاً توسط نویسندگان طرفدار امویان شکل گرفته است. موقعیت مورخان در مناسبات قدرت، تأثیر تعیین‌کننده‌ای بر محتوای روایت‌های تاریخی داشته و مورخان مستقل، روایت‌های متفاوتی از مورخان وابسته به دربار ارائه کرده‌اند. همچنین، تکرار کانون‌های قدرت در جهان اسلام، به تنوع گفتمان‌های تاریخی انجامیده و عوامل هویتی در کنار عوامل سیاسی، در شکل‌گیری روایت‌های تاریخی نقش داشته‌اند.

کلمات کلیدی: تاریخ‌نگاری اسلامی، سیاست‌ورزی، خلافت اسلامی، گفتمان تاریخی، مورخان.

Analysis of the Impact of Islamic Caliphates' Politics on Historians' Content Tendencies in Early Islamic Historical Texts

Najeebullah Ahadi^{1*}, Mohammadullah Quayash²

1- Member of the academic staff of the Department of History, Faculty of Education, University of Jawzjan- Afghanistan. Email: najeebullahahadi@gmail.com.

2- Member of the academic staff of the Department of History, Faculty of Education, University of Jawzjan- Afghanistan.. Email: quyash2020@gmail.com

* Corresponding Author

Abstract

Early Islamic historiography was the product of complex interactions between historians and political power structures. Islamic caliphates influenced historians' intellectual frameworks through various mechanisms such as financial support, intellectual restrictions, and discourse formation. This study aims to systematically review the mechanisms of how Islamic caliphates' politics influenced historians' content tendencies in early Islamic historical texts. By searching international databases (PubMed, Scopus, Web of Science, Google Scholar) and domestic databases (SID, Elmet, Magiran, Noormags, Irandoc), 600 articles were identified. After applying inclusion criteria (relevance to the topic, clear methodology, analytical-critical approach, publication in credible sources, access to full text) and exclusion criteria (focus on periods other than early Islamic centuries, lack of power-knowledge relationship analysis, unclear methodology, publication in non-credible sources, repetitive content), 12 studies were selected for final analysis. The findings revealed that political-ideological developments in the caliphate structure led to the formation of different historical discourses. The transition from the Umayyad to the Abbasid caliphate created a fundamental shift in historiographical approaches, and the "secular tradition" of historiography was mainly formed by pro-Umayyad writers. Historians' positions within power relations had a decisive impact on the content of historical narratives, with independent historians presenting different narratives from court-affiliated historians. Additionally, the multiplicity of power centers in the Islamic world led to diverse historical discourses, and identity factors alongside political factors played a role in shaping historical narratives.

Keywords: Islamic Historiography, Politics, Islamic Caliphate, Historical Discourse, Historians.

۱- مقدمه

تاریخ‌نگاری در قرون اولیه اسلامی انعکاس‌دهنده تحولات عمیق سیاسی، اجتماعی و فکری است که ساختار جامعه اسلامی را شکل داده است [۱]. تدوین متون تاریخی در این دوره تحت تأثیر مستقیم نظام‌های سیاسی حاکم قرار داشته و مورخان در فضایی فعالیت می‌کردند که به‌طور مستقیم و غیرمستقیم از مناسبات قدرت متأثر بود [۲]. پدیده سیاست‌ورزی خلافت‌های اسلامی، به‌عنوان یکی از تأثیرگذارترین عوامل در شکل‌گیری گفتمان‌های تاریخی، مسئله‌ای است که کمتر به‌صورت نظام‌مند مورد بررسی قرار گرفته است [۳]. متون تاریخی این دوران علاوه بر ثبت رویدادها، انعکاس‌دهنده رویکردهای حکومت‌ها در تبیین وقایع نیز هستند و مورخان غالباً در فضای گفتمانی حاکمیت به روایت تاریخ می‌پرداختند [۴]. خلافت‌های امویان و عباسیان با بهره‌گیری از نظام‌های حمایتی و گاه اعمال محدودیت، فضای فکری خاصی را ایجاد می‌کردند که مورخان ناگزیر از کنش در آن بودند [۵]. این تأثیرگذاری در انتخاب موضوعات، برجسته‌سازی برخی رویدادها و کم‌رنگ نمودن برخی دیگر، و حتی در شیوه روایت‌گری مورخان نمود می‌یافت [۶]. تحلیل نظام‌مند این مناسبات قدرت-دانش می‌تواند ابعاد پنهان تاریخ‌نگاری اسلامی را آشکار سازد و درک عمیق‌تری از چگونگی شکل‌گیری روایت‌های تاریخی این دوره ارائه دهد [۷]. ضرورت بررسی این موضوع از آن جهت اهمیت می‌یابد که درک صحیح از متون تاریخی این دوره، مستلزم شناخت عوامل مؤثر بر شکل‌گیری آنهاست. سیاست‌ورزی خلافت‌های اسلامی به‌عنوان یک متغیر تأثیرگذار در تولید متون تاریخی، نقشی تعیین‌کننده در جهت‌گیری‌های مورخان داشته است [۸]. مفاهیمی چون "سیاست‌ورزی" و "گرایش‌های محتوایی" در این پژوهش ناظر به فرایندهایی است که طی آن، قدرت سیاسی از طریق سازوکارهای گوناگون همچون حمایت‌های مالی، ایجاد محدودیت‌های فکری، و گفتمان‌سازی، بر چارچوب‌های فکری مورخان تأثیر می‌گذاشته است [۹]. مطالعه متون تاریخی قرون اولیه اسلامی با چالش‌های متعددی روبروست که بررسی رابطه سیاست و تاریخ‌نگاری را پیچیده می‌سازد. بسیاری از متون این دوره در دسترس نیستند و آنچه به دست ما رسیده، غالباً با واسطه بوده است [۱۰]. تشخیص مرز میان تأثیرپذیری آگاهانه و ناآگاهانه مورخان از فضای سیاسی حاکم دشوار است. تنوع گفتمان‌های سیاسی در سرزمین‌های اسلامی و تکرر مراکز قدرت، تحلیل یکپارچه از این موضوع را با دشواری همراه می‌سازد [۱۱]. منابع موجود غالباً از منظر نخبگان حاکم تدوین شده‌اند و صداها به حاشیه رانده شده کمتر در آنها انعکاس یافته است [۱۲]. فقدان چارچوب‌های نظری منسجم برای تحلیل رابطه قدرت و تاریخ‌نگاری در جهان اسلام، مانعی برای تحلیل‌های ژرف در این حوزه ایجاد کرده است [۱۳]. علی‌رغم این چالش‌ها، بررسی دقیق متون تاریخی قرون اولیه اسلامی در پرتو تحولات سیاسی این دوره می‌تواند به درک عمیق‌تری از ماهیت تاریخ‌نگاری اسلامی بینجامد. طبری، مسعودی، یعقوبی، بلاذری و دیگر مورخان بزرگ این دوره، هر یک به نحوی در مناسبات قدرت عصر خود قرار داشته‌اند و آثارشان بازتاب‌دهنده این مناسبات است [۱۴]. بررسی چگونگی تأثیرپذیری این مورخان از ساختارهای سیاسی زمانه خود، نه تنها به فهم بهتر آثارشان کمک می‌کند، بلکه تصویری روشن‌تر از پویایی‌های فکری و سیاسی دوران آنان ارائه می‌دهد [۱۵]. پس هدف از این پژوهش مروری بر مکانیسم‌های تأثیرگذاری سیاست‌ورزی خلافت‌های اسلامی بر گرایش‌های محتوایی مورخان در تدوین متون تاریخی قرون اولیه اسلامی و تبیین چگونگی بازنمایی قدرت سیاسی در این متون است. این پژوهش می‌کوشد با رویکردی تحلیلی-انتقادی، لایه‌های پنهان

تعامل میان قدرت سیاسی و تولید دانش تاریخی را در این دوره آشکار سازد و به این پرسش پاسخ دهد که سیاست‌ورزی خلافت‌های اسلامی چگونه و تا چه میزان بر گرایش‌های محتوایی مورخان در تدوین متون تاریخی تأثیرگذار بوده است.

در ادامه پیشینه‌های متعددی در این زمینه مورد بررسی قرار می‌گیرد که نشان می‌دهد مطالعات پیشین از زوایای گوناگون به موضوع رابطه قدرت و تاریخ‌نگاری در جهان اسلام پرداخته‌اند. این مطالعات عمدتاً بر جنبه‌های گوناگون تأثیرپذیری تاریخ‌نگاری از ساختارهای سیاسی متمرکز بوده‌اند. سونمز^۱ (۲۰۲۲) به بررسی تحول تاریخ‌نگاری عثمانی در قرن نوزدهم و تأثیرپذیری آن از تحولات سیاسی این دوره پرداخته است [۱۱]. لیتل^۲ (۲۰۲۲) در پژوهشی ارزشمند، «سنت سکولار» در تاریخ‌نگاری اسلامی اولیه را با تکیه بر آرای پاتریشیا کرون تحلیل کرده و به تفکیک سنت‌های مختلف روایی در این حوزه پرداخته است [۱۲]. انصاری^۳ (۲۰۲۳) در مجموعه‌ای از متون قرون میانه، رابطه میان خلافت و امامت را از منظر الهیات سیاسی مورد کاوش قرار داده است [۱۳]. بلال^۴ (۲۰۲۴) با تمرکز بر کتاب تاریخ الخلفاء سیوطی، رویکردهای انتقادی در تحلیل تاریخی را واکاوی کرده است [۱۴]. همچنین ویجایا^۵ (۲۰۲۴) تحول مفهوم خلافت در تاریخ سیاسی اسلام را از دوره کلاسیک تا معاصر بررسی کرده است [۱۵]. در میان مطالعات فارسی، خضری (۱۴۰۲) در پژوهشی جامع، تأثیر معتقدات دینی بر نگرش تاریخی مورخان مسلمان را بر پایه مقدمه‌های آنان تحلیل کرده است [۱۶]. سرافرازی (۱۳۹۴) به بررسی تطبیقی روایت‌های مورخان سلسله صفوی از دوره حکومت شاه عباس دوم همت گماشته است [۱۷]. پاینده (۱۴۰۰) در مطالعه‌ای جامع، رویکرد اجتماعی فضل‌الله بن روزبهان خنجی در تاریخ‌نگاری رسمی را واکاوی کرده است [۱۸]. کرمعلی (۱۴۰۰) روایت مورخان از نخستین مواجهه‌های شاه-قرلباش در تاریخ‌نگاری صفویه را مورد بررسی قرار داده است [۱۹]. احمدی (۱۳۸۹) در تحقیقی ارزشمند، رویکرد سیاسی مورخان در تاریخ‌نگاری محلی گیلان از قرن نهم تا یازدهم هجری را با تکیه بر روش و بینش آنان بررسی نموده است [۲۰]. محمدی (۱۳۹۹) با تحلیل رویکرد تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری شرفخان بدلیسی در شرفنامه، به تأثیرپذیری این اثر از مناسبات سیاسی پرداخته است [۲۱].

۲. روش پژوهش

این مطالعه با رویکرد مرور نظام‌مند ادبیات انجام شده است تا تصویری جامع و تحلیلی از تأثیر سیاست‌ورزی خلافت‌های اسلامی بر گرایش‌های محتوایی مورخان در تدوین متون تاریخی قرون اولیه ارائه دهد. برای دستیابی به شواهد علمی معتبر و روزآمد، پژوهش حاضر بر مقالات علمی منتشر شده در بازه زمانی ۲۰۱۰-۲۰۲۴ (۱۳۸۹-۱۴۰۲) متمرکز شده است. فرآیند جستجو، انتخاب و تحلیل مقالات به صورت نظام‌مند و با رعایت اصول علمی مرور ادبیات انجام پذیرفته و تمام منابع از پایگاه‌های داده معتبر علمی استخراج شده‌اند. ارزیابی کیفیت مقالات در چندین مرحله شامل بررسی عنوان، چکیده و محتوای کامل صورت گرفته تا اطمینان حاصل شود که منابع منتخب، ضمن همخوانی با موضوع پژوهش، از اعتبار علمی کافی برخوردار هستند.

¹ Sönmez

² Little

³ Ansari

⁴ Bilal

⁵ Wijaya

۱.۲. منابع داده‌ای

منابع داده‌ای این مطالعه شامل پایگاه‌های داده‌ای معتبر بین‌المللی و داخلی است که برای جستجوی مقالات علمی و منابع مرتبط با موضوع تحقیق مورد استفاده قرار گرفته‌اند. پایگاه‌های داده‌ای خارجی شامل PubMed، Scopus، Web of Science و Google Scholar بوده‌اند که دسترسی به مقالات منتشر شده در مجلات معتبر بین‌المللی را فراهم کرده‌اند. از پایگاه‌های داده‌ای داخلی نیز شامل SID (Scientific Information Database)، علم‌نت (Elmnet)، مگیران (Magiran)، نورمگز (Noormags)، و ایرانداک (IranDoc) استفاده شده است تا مقالات فارسی مرتبط با موضوع نیز در بررسی لحاظ شوند. جستجو با استفاده از کلیدواژه‌های فارسی شامل "تاریخ‌نگاری اسلامی"، "خلافت‌های اسلامی"، "سیاست‌ورزی"، "قدرت و دانش"، "مورخان مسلمان"، "تأثیرات سیاسی"، "گفتمان تاریخی"، "امویان"، "عباسیان" و "متون تاریخی" انجام شد. همچنین کلیدواژه‌های انگلیسی شامل "Islamic historiography"، "Islamic Caliphates"، "Muslim historians"، "politicization"، "power and knowledge"، "historical discourse"، "political influences"، "historical texts" و "Abbasids" در ترکیب‌های مختلف مورد استفاده قرار گرفت. پس از جستجوی اولیه، تعداد ۶۰۰ مقاله شناسایی شد که پس از بررسی اولیه عنوان و چکیده، مقالات مرتبط با موضوع انتخاب شدند. محدوده زمانی مقالات انتخابی از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۳ (۱۳۸۹-۱۴۰۲) در نظر گرفته شده است تا تصویری به‌روز از وضعیت تحقیقات در این حوزه ارائه دهد.

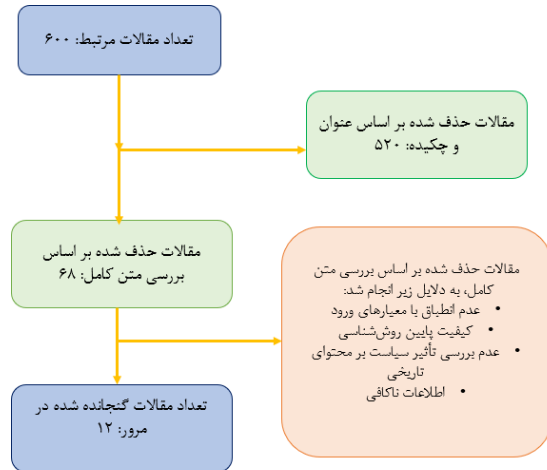
۲.۲. معیارهای انتخاب/حذف مقالات

برای تضمین کیفیت علمی پژوهش و انتخاب مرتبط‌ترین و معتبرترین منابع، معیارهای دقیق و جامعی برای ورود و خروج مقالات تدوین گردید. معیارهای ورود مقالات شامل موارد زیر بود: مقالات باید مستقیماً به بررسی رابطه بین سیاست‌ورزی خلافت‌های اسلامی و گرایش‌های محتوایی مورخان در تدوین متون تاریخی قرون اولیه اسلامی می‌پرداختند. آثار منتخب می‌بایست دارای روش‌شناسی شفاف و علمی بوده و از رویکردهای تحلیلی-انتقادی برای بررسی متون تاریخی استفاده کرده باشند. انتشار مقالات در پایگاه‌های استنادی معتبر از دیگر معیارهای مهم بود. همچنین، مقالات بایستی در بازه زمانی ۲۰۱۰-۲۰۲۴ منتشر شده باشند تا یافته‌های به‌روز و معاصر را منعکس نمایند. امکان دسترسی به متن کامل مقالات ضروری بود تا بتوان تحلیل جامعی از محتوای آن‌ها ارائه داد. زبان انتشار مقالات به فارسی و انگلیسی محدود شد. پژوهش‌هایی که به تحلیل مکانیسم‌های تأثیرگذاری ساختارهای سیاسی بر تولید متون تاریخی پرداخته بودند، در اولویت قرار گرفتند.

معیارهای خروج مقالات نیز به این شرح تعیین گردید: مقالاتی که به دوره‌های تاریخی غیر از قرون اولیه اسلامی می‌پرداختند، از مطالعه خارج شدند. پژوهش‌هایی که صرفاً به جنبه‌های ادبی، زبان‌شناختی، یا سبک‌شناسی متون تاریخی توجه داشته و فاقد تحلیل مناسبات قدرت-دانش بودند، حذف گردیدند. مطالعاتی که فاقد روش‌شناسی شفاف بودند، کنار گذاشته شدند. آثار منتشر شده در منابع غیرمعتبر علمی یا فاقد داوری تخصصی از بررسی خارج شدند. همچنین مقالات با محتوای تکراری یا مشابه با سایر آثار انتخاب شده نیز حذف گردیدند.

شکل ۱ فرآیند انتخاب مقالات برای مقاله مروری را نشان می‌دهد. ابتدا از میان ۶۰۰ مقاله مرتبط جستجو شده، ۵۲۰ مقاله بر اساس عنوان و چکیده اولیه به دلیل عدم ارتباط کافی با موضوع پژوهش حذف شدند. از ۸۰ مقاله

باقی‌مانده، پس از بررسی متن کامل، ۶۹ مقاله به دلیل عدم انطباق با معیارهای ورود، کیفیت پایین روش‌شناسی، یا اطلاعات ناکافی کنار گذاشته شدند. در نهایت، ۱۱ مقاله که از بالاترین کیفیت علمی برخوردار بوده و بیشترین ارتباط را با هدف پژوهش داشتند، برای تحلیل نهایی انتخاب شدند. این فرآیند انتخاب بر اساس دستورالعمل PRISMA انجام گرفت تا شفافیت، دقت و قابلیت تکرارپذیری پژوهش تضمین گردد.



شکل ۱: فلوچارت فرآیند انتخاب مقالات

۳. نتایج و بحث

۳.۱. ویژگی‌های پژوهش‌ها

مطالعات بررسی شده در این پژوهش از منظر روش‌شناسی، دوره تاریخی مورد بررسی، و رویکردهای تحلیلی متنوع هستند. این تنوع امکان بررسی جامع تأثیر سیاست‌ورزی خلافت‌های اسلامی بر گرایش‌های محتوایی مورخان را فراهم می‌کند. اکثر پژوهش‌ها از روش‌های تحلیلی-انتقادی، تطبیقی و هرمنوتیکی استفاده کرده‌اند و به تحلیل متون تاریخی با تمرکز بر بافت سیاسی و اجتماعی تولید آن‌ها پرداخته‌اند. بررسی این مطالعات نشان می‌دهد که محققان با بهره‌گیری از رویکردهای بینارشته‌ای، به خوبی توانسته‌اند لایه‌های پنهان تأثیرپذیری متون تاریخی از گفتمان‌های سیاسی را آشکار سازند. در ادامه ویژگی‌های هر یک از پژوهش‌های مورد بررسی به تفکیک ارائه می‌شود.

سونمز (۲۰۲۲) به بررسی تحول تاریخ‌نگاری عثمانی در قرن نوزدهم و تغییرات آن طی دوره‌های اصلاحات (تنظیمات)، عصر سلطان عبدالحمید دوم و انقلاب مشروطه پرداخته است. ویژگی برجسته این پژوهش ارائه چارچوبی جامع برای تحلیل سه دوره اصلی گسترش، اسلامی‌سازی و ملی‌گرایی در تاریخ‌نگاری عثمانی است. ویژگی دیگر این مطالعه، تمرکز بر نقش تغییرات سیاسی-ایدئولوژیک در تحول گفتمان‌های تاریخی و بررسی نظام‌مند تأثیر تحولات سیاسی بر رویکردهای روش‌شناختی و محتوایی مورخان است. این پژوهش با تحلیل دقیق نشان می‌دهد که چگونه فضای سیاسی دوره اصلاحات موجب گسترش افق‌های تاریخ‌نگاری عثمانی شد، در حالی که دوره عبدالحمید دوم با اسلامی‌سازی محتوای تاریخی و دوره مشروطه با تقویت عناصر ملی‌گرایانه همراه بود [۱۱].

لیتل (۲۰۲۲) به بررسی و تفسیر نظریه "سنت سکولار" پاتریشیا کرون در تاریخ‌نگاری اسلامی اولیه پرداخته است. ویژگی منحصر به فرد این پژوهش تبیین و تحلیل سه سنت متمایز "دینی"، "قبیله‌ای" و "سکولار" در تاریخ‌نگاری اسلامی اولیه است. ویژگی مهم دیگر، تمرکز بر مفهوم "سنت

می‌کند و تأثیر گرایش‌های دینی و مذهبی مورخان بر نحوه روایت و تفسیر رویدادهای تاریخی را نشان می‌دهد [۱۶].

سرافرازی و همکاران (۱۳۹۴) به بررسی تطبیقی روایت‌های مورخان سلسله صفوی از دوره حکومت شاه عباس دوم پرداخته‌اند. ویژگی برجسته این مطالعه تحلیل تأثیر موقعیت اجتماعی و سیاسی مورخان بر شکل‌گیری روایت‌های تاریخی مختلف از یک دوره واحد است. ویژگی متمایز دیگر این پژوهش، بررسی رابطه میان وابستگی‌های سیاسی مورخان به دربار صفوی و محتوای روایت‌های آنان از رویدادهای تاریخی است. این پژوهش با بررسی آثار شش مورخ برجسته عصر صفوی، شباهت‌ها و تفاوت‌های روایت‌های آنان را شناسایی می‌کند و نشان می‌دهد که اولویت اصلی در همه این روایت‌ها، شرح وقایع سیاسی است، اما عدم وابستگی به دربار می‌تواند تأثیر تعیین‌کننده‌ای در روایت مورخ داشته باشد [۱۷].

پاینده و همکاران (۱۴۰۰) به بررسی رویکرد اجتماعی فضل‌الله بن روزبهان خنجی در تاریخ‌نگاری رسمی پرداخته‌اند. ویژگی کلیدی این پژوهش شناسایی و تحلیل توجه همزمان خنجی به مسائل سیاسی و اجتماعی در آثار تاریخی‌اش است. ویژگی اصلی دیگر این مطالعه، بررسی تلفیق عناصر فقهی-حقوقی با گزارش‌های تاریخی در آثار خنجی به عنوان وجه تمایز او از سایر مورخان هم‌عصرش است. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی، برجسته‌ترین موضوعات اجتماعی مورد توجه خنجی را در سه اثر تاریخی او واکاوی می‌کند و نشان می‌دهد که خنجی علاوه بر گزارش احوال سلاطین، به مسائل اجتماعی نیز توجه ویژه‌ای داشته، اما طرح این مسائل در آثار او ذیل تاریخ حکومت و آمیخته با نگرش‌های فقهی-حقوقی بوده است [۱۸].

کرمعلی و همکاران (۱۴۰۰) به بررسی روایت مورخان صفوی از نخستین مواجهه‌های شاه-قزلباش در دوره شاه طهماسب پرداخته‌اند. ویژگی اصلی این مطالعه تحلیل گذار تدریجی از روایت‌های تقدس‌گرایانه به سمت واقع‌گرایی در تاریخ‌نگاری صفوی است. ویژگی برجسته دیگر این پژوهش، شناسایی و تحلیل دگرگونی‌های گفتمانی در روایت‌های تاریخی مرتبط با رابطه شاه و قزلباش و عوامل مؤثر بر این تحولات است. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی، عناصر شکل‌دهنده روایت مورخان از نخستین مواجهه شاه-قزلباش را واکاوی می‌کند و نشان می‌دهد که هر چه از مرحله جنبش اولیه صفویان فاصله گرفته شود، روایت مورخان از محتوایی تقدس‌گرایانه به جانب نوعی واقع‌گرایی معطوف می‌شود [۱۹].

احمدی و حسن مصفا (۱۳۸۹) به بررسی تطبیقی رویکرد سیاسی مورخان در تاریخ‌نگاری محلی گیلان از قرن نهم تا یازدهم هجری پرداخته‌اند. ویژگی متمایز این پژوهش تحلیل تأثیر مناسبات قدرت محلی بر تولید متون تاریخی منطقه‌ای و بررسی نسبت میان اقتدار حاکمان کیایی و جهت‌گیری روایت‌های تاریخی است. ویژگی برجسته دیگر این مطالعه، شناسایی تفاوت‌های محتوایی و روش‌شناختی بین آثار تاریخی منطقه‌ای تحت تأثیر شرایط سیاسی متفاوت است. این پژوهش با بررسی سه منبع مهم تاریخی نشان می‌دهد که مورخان اولیه بیشتر تحت تأثیر جو حاکم و اقتدار حاکمان کیایی قرار گرفته‌اند، در حالی که در دوره بعدی، نگرش اجتماعی و جامعه‌شناختی تقویت شده است [۲۰].

محمدی و فیضی (۱۳۹۹) به تحلیل رویکرد تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری شرفخان بدلیسی در شرفنامه پرداخته‌اند. ویژگی محوری این پژوهش بررسی نقش عوامل قومی و هویتی در شکل‌گیری روایت تاریخی شرفخان از کردستان است. ویژگی متمایز دیگر این مطالعه، تحلیل نسبت میان هویت قومی مورخ و رویکرد او به رویدادهای تاریخی مرتبط با کردها و کردستان در

سکولار" به عنوان روایت‌های تاریخی دولت‌محور و توجه به مکانیسم‌های انتقال دانش تاریخی در دوره اموی است. این پژوهش با روش‌های دقیق آثار کرون، نشان می‌دهد که "سنت سکولار" به گزارش‌های تاریخی دولت‌محور و گاه‌شماری‌های سیاسی اشاره دارد که عمدتاً توسط نویسندگان مسلمان طرفدار امویان مروانی در قرن هشتم میلادی تدوین شده‌اند. یافته‌های این پژوهش برای درک قابلیت اعتماد منابع تاریخی اسلامی اهمیت بسزایی دارد [۱۲].

انصاری و حسین (۲۰۲۳) به گردآوری و ترجمه متون کلاسیک عربی درباره الهیات سیاسی خلافت و امامت در قرون میانه اسلامی پرداخته‌اند. ویژگی اصلی این پژوهش معرفی دیدگاه‌های شش مکتب کلامی اسلامی درباره مشروعیت سیاسی و رهبری پس از پیامبر اسلام است. ویژگی برجسته دیگر این مطالعه، توجه به چندصدایی در گفتمان‌های تاریخی-سیاسی اسلامی و نشان دادن تنوع تفسیرهای مشروعیت سیاسی در سنت اسلامی است. این پژوهش با ترجمه متون اصلی نوشته شده بین قرون یازدهم تا سیزدهم میلادی، امکان دسترسی و مقایسه مستقیم آرای مختلف در باب خلافت و امامت را فراهم می‌کند و تنوع گفتمانی در سنت اسلامی را که غالباً در روایت‌های ساده‌شده از تاریخ اسلام نادیده گرفته می‌شود، برجسته می‌سازد [۱۳].

بلال (۲۰۲۴) به ارزیابی جامع اثر تاریخی "تاریخ الخلفاء" نوشته جلال‌الدین سیوطی و کاربرد روش‌های نقد تاریخی در تحلیل آن پرداخته است. ویژگی عمده این مطالعه تمایز بین نقد درونی و بیرونی در تحلیل متون تاریخی و کاربرد عملی این روش‌ها در بررسی اثر سیوطی است. ویژگی متمایز دیگر این پژوهش، تمرکز بر روش‌شناسی نقد تاریخی و معرفی معیارهای سنجش اعتبار روایت‌های تاریخی است. این پژوهش با بررسی دقیق اثر سیوطی، نشان می‌دهد که چگونه روش‌های نقادانه می‌توانند پیچیدگی‌های پژوهش تاریخی را آشکار ساخته و به درک بهتر تعصبات، حذف‌ها و قابلیت اعتماد منابع کمک کنند. این الگوی روش‌شناختی برای تحلیل سایر متون تاریخی نیز کاربرد دارد [۱۴].

ویجایا و همکاران (۲۰۲۴) به بررسی تحول مفهوم خلافت در تاریخ سیاسی اسلام از دوره کلاسیک تا معاصر پرداخته‌اند. ویژگی محوری این پژوهش کاربرد رویکرد تاریخی-تطبیقی برای بررسی دگرگونی‌های مفهوم خلافت در بسترهای مختلف تاریخی است. ویژگی برجسته دیگر این مطالعه، تحلیل پیوند میان تحولات سیاسی-اجتماعی و تغییر معنایی مفهوم خلافت در دوره‌های خلفای راشدین، عباسی، عثمانی و معاصر است. این پژوهش با استفاده از تحلیل محتوای کیفی متون سیاسی و تاریخی، تحولات معنایی عمیق مفهوم خلافت را ردیابی می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه این مفهوم از یک نهاد سیاسی-مذهبی یکپارچه در دوره کلاسیک به بازنمایی‌های نمادین و چندپاره در دوره معاصر تبدیل شده است [۱۵].

خضری و قاضی (۱۴۰۲) به بررسی تأثیر معتقدات دینی بر نگرش تاریخی مورخان مسلمان با تکیه بر مقدمه‌های آثار آنان پرداخته‌اند. ویژگی مهم این پژوهش ارائه روشی نوآورانه برای درک بینش‌های تاریخی مورخان از طریق تحلیل مقدمه‌های آثارشان است. ویژگی برجسته دیگر این مطالعه، شناسایی مقدمه‌ها به عنوان متونی که بازتاب‌دهنده نگرش و بینش مورخان درباره جهان، خدا و هستی هستند و بررسی چگونگی تأثیر این معتقدات بر فرایند تاریخ‌نگاری است. این پژوهش با بررسی مقدمه‌های مهم‌ترین آثار تاریخی دوران اسلامی، محورهای اصلی نگرش مورخان مسلمان را شناسایی

بستر مناسبات قدرت میان صفویان و عثمانیان است. این پژوهش با روش تحلیل تاریخی، منظومه فکری شرفخان را بررسی می‌کند و نشان می‌دهد که تاریخ‌نگاری او دارای ویژگی‌هایی چون نخبه‌گرایی، شریعت‌مدارانه، انتقادی و در عین حال ستایش‌آمیز نسبت به کردها است [۲۱].

۲.۳. رویه ارزیابی

در این بخش، رویه ارزیابی پژوهش‌های منتخب که به تأثیر سیاست‌ورزی خلافت‌های اسلامی بر گرایش‌های محتوایی مورخان در تدوین متون تاریخی قرون اولیه پرداخته‌اند، تشریح می‌گردد. برای ارزیابی جامع و نظام‌مند این مطالعات، چارچوبی چندبعدی طراحی شده است که امکان بررسی دقیق هر پژوهش را از جوانب مختلف فراهم می‌سازد.

رویه ارزیابی پژوهش سونمز (۲۰۲۲) شامل بررسی چارچوب مفهومی سه‌گانه او برای تحلیل تحولات تاریخ‌نگاری عثمانی بوده است. در این ارزیابی، ابتدا سه دوره تاریخی شناسایی شده توسط سونمز (دوره اصلاحات، عصر سلطان عبدالحمید دوم، و انقلاب مشروطه) که به ترتیب با گفتمان‌های گسترش، اسلامی‌سازی و ملی‌گرایی در تاریخ‌نگاری همراه بودند، مورد بررسی قرار گرفته و سپس مکانیسم‌های تأثیرگذاری نظام سیاسی بر محتوای تاریخ‌نگاری در هر دوره تحلیل شده است. همچنین، میزان انطباق‌پذیری این الگو با شرایط تاریخ‌نگاری قرون اولیه اسلامی نیز سنجیده شده است [۱۱].

رویه ارزیابی پژوهش لیتل (۲۰۲۲) متمرکز بر واکاوی دقیق مفهوم "سنت سکولار" در چارچوب نظریه پاتریشیا کرون بوده است. در این ارزیابی، تمایز بین سه سنت "دینی"، "قبیله‌ای" و "سکولار" در تاریخ‌نگاری اسلامی اولیه مورد بررسی قرار گرفته و شواهد تاریخی ارائه شده برای اثبات وجود این سنت‌ها سنجیده شده است. همچنین، استدلال‌های لیتل در مورد انتقال دانش تاریخی در دوره اموی و تأثیر وابستگی‌های سیاسی مورخان بر محتوای روایت‌های آنان نیز مورد ارزیابی قرار گرفته است [۱۲].

رویه ارزیابی پژوهش انصاری و حسین (۲۰۲۳) شامل بررسی کیفیت ترجمه و تحلیل متون کلاسیک عربی درباره الهیات سیاسی خلافت و امامت بوده است. در این ارزیابی، نحوه معرفی و تفسیر دیدگاه‌های شش مکتب کلامی اسلامی مورد بررسی قرار گرفته و میزان موفقیت پژوهشگران در نشان دادن چندصدایی در گفتمان‌های تاریخی-سیاسی اسلامی سنجیده شده است. همچنین، نحوه تحلیل تنوع تفسیرهای مشروعیت سیاسی در سنت اسلامی نیز مورد ارزیابی قرار گرفته است [۱۳].

رویه ارزیابی پژوهش بلال (۲۰۲۴) متمرکز بر بررسی کاربرد روش‌های نقد تاریخی در تحلیل اثر "تاریخ الخلفاء" سیوطی بوده است. در این ارزیابی، تمایز بین نقد درونی و بیرونی در تحلیل متون تاریخی مورد بررسی قرار گرفته و معیارهای ارائه شده برای سنجش اعتبار روایت‌های تاریخی سنجیده شده است. همچنین، کاربرد عملی این روش‌ها در بررسی اثر سیوطی و میزان موفقیت آن در آشکار ساختن پیچیدگی‌های پژوهش تاریخی نیز مورد ارزیابی قرار گرفته است [۱۴].

رویه ارزیابی پژوهش ویجایا و همکاران (۲۰۲۴) شامل بررسی کاربرد رویکرد تاریخی-تطبیقی در مطالعه تحول مفهوم خلافت بوده است. در این ارزیابی، نحوه تحلیل دگرگونی‌های مفهوم خلافت در بسترهای مختلف تاریخی مورد بررسی قرار گرفته و پیوند بین تحولات سیاسی-اجتماعی و تغییر معنایی این مفهوم در دوره‌های متفاوت سنجیده شده است. همچنین، کارآمدی روش تحلیل محتوای کیفی در ردیابی تحولات معنایی مفهوم خلافت نیز مورد ارزیابی قرار گرفته است [۱۵].

رویه ارزیابی پژوهش خضری و قاضی (۱۴۰۲) شامل بررسی نوآوری روش‌شناختی آنان در استفاده از مقدمه‌های آثار تاریخی برای درک بینش‌های تاریخی مورخان بوده است. در این ارزیابی، نحوه شناسایی مقدمه‌ها به عنوان متونی که بازتاب‌دهنده نگرش و بینش مورخان هستند مورد بررسی قرار گرفته و تحلیل تأثیر معتقدات دینی بر فرایند تاریخ‌نگاری سنجیده شده است. همچنین، شواهد تاریخی ارائه شده از مقدمه‌های مهم‌ترین آثار تاریخی دوران اسلامی نیز مورد ارزیابی قرار گرفته است [۱۶].

رویه ارزیابی پژوهش سرافرازی و همکاران (۱۳۹۴) متمرکز بر بررسی کاربرد روش تطبیقی در مطالعه روایت‌های مورخان سلسله صفوی بوده است. در این ارزیابی، نحوه تحلیل تأثیر موقعیت اجتماعی و سیاسی مورخان بر شکل‌گیری روایت‌های تاریخی مختلف مورد بررسی قرار گرفته و رابطه بین وابستگی‌های سیاسی مورخان به دربار صفوی و محتوای روایت‌های آنان سنجیده شده است. همچنین، شواهد تاریخی ارائه شده از آثار شش مورخ برجسته عصر صفوی نیز مورد ارزیابی قرار گرفته است [۱۷].

رویه ارزیابی پژوهش پاینده و همکاران (۱۴۰۰) شامل بررسی کاربرد روش توصیفی-تحلیلی در مطالعه رویکرد اجتماعی فضل‌الله بن روزبهان خنجی بوده است. در این ارزیابی، نحوه شناسایی و تحلیل توجه همزمان خنجی به مسائل سیاسی و اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته و تلفیق عناصر فقهی-حقوقی با گزارش‌های تاریخی در آثار او سنجیده شده است. همچنین، شواهد تاریخی ارائه شده از سه اثر تاریخی خنجی نیز مورد ارزیابی قرار گرفته است [۱۸].

رویه ارزیابی پژوهش کرمعلی و همکاران (۱۴۰۰) متمرکز بر بررسی کاربرد روش توصیفی-تحلیلی در مطالعه روایت مورخان صفوی از مواجهه‌های شاه-قزلباش بوده است. در این ارزیابی، نحوه تحلیل گذار تدریجی از روایت‌های تقدس‌گرایانه به سمت واقع‌گرایی مورد بررسی قرار گرفته و شناسایی و تحلیل دگرگونی‌های گفتمانی در روایت‌های تاریخی سنجیده شده است. همچنین، شواهد تاریخی ارائه شده برای تبیین عناصر شکل‌دهنده روایت مورخان نیز مورد ارزیابی قرار گرفته است [۱۹].

رویه ارزیابی پژوهش احمدی و حسن مصفا (۱۳۸۹) شامل بررسی کاربرد روش تطبیقی در مطالعه رویکرد سیاسی مورخان در تاریخ‌نگاری محلی گیلان بوده است. در این ارزیابی، نحوه تحلیل تأثیر مناسبات قدرت محلی بر تولید متون تاریخی منطقه‌ای مورد بررسی قرار گرفته و شناسایی تفاوت‌های محتوایی و روش‌شناختی بین آثار تاریخی منطقه‌ای سنجیده شده است. همچنین، شواهد تاریخی ارائه شده از سه منبع مهم تاریخی نیز مورد ارزیابی قرار گرفته است [۲۰].

رویه ارزیابی پژوهش محمدی و فیضی (۱۳۹۹) متمرکز بر بررسی کاربرد روش تحلیل تاریخی در مطالعه رویکرد تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری شرفخان بدلیسی بوده است. در این ارزیابی، نحوه بررسی نقش عوامل قومی و هویتی در شکل‌گیری روایت تاریخی شرفخان مورد بررسی قرار گرفته و تحلیل نسبت میان هویت قومی مورخ و رویکرد او به رویدادهای تاریخی سنجیده شده است. همچنین، شواهد تاریخی ارائه شده برای تبیین منظومه فکری شرفخان نیز مورد ارزیابی قرار گرفته است [۲۱].

۳.۳. یافته‌های اصلی پژوهش‌ها

این بخش به بررسی و تحلیل یافته‌های اصلی پژوهش‌های منتخب می‌پردازد که به تأثیر سیاست‌ورزی خلافت‌های اسلامی بر گرایش‌های محتوایی مورخان در تدوین متون تاریخی قرون اولیه پرداخته‌اند. از میان ۶۰۰ مقاله شناسایی شده در جستجوی اولیه، پس از بررسی عنوان و چکیده

و اعمال معیارهای ورود و خروج، در نهایت ۱۱ پژوهش که از بالاترین کیفیت علمی برخوردار بوده و بیشترین ارتباط را با هدف پژوهش داشتند، برای تحلیل نهایی انتخاب شدند. یافته‌های این مطالعات، ابعاد مختلف تأثیرگذاری نظام‌های سیاسی بر تولید متون تاریخی را آشکار می‌سازند و الگوهای مشترکی را در این زمینه نشان می‌دهند.

سونمز (۲۰۲۲) به بررسی تحول تاریخ‌نگاری عثمانی در قرن نوزدهم و تأثیرپذیری آن از تحولات سیاسی این دوره پرداخته است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که تغییرات ایدئولوژیک حکومت در هر دوره (اصلاحات، حمیدیه و مشروطه)، به شکل‌گیری گفتمان‌های تاریخی متفاوتی منجر شده است. این الگو قابل تعمیم به خلافت‌های اسلامی قرون اولیه است و بیانگر آن است که ساختارهای سیاسی امویان و عباسیان نیز با تقویت جریان‌های فکری همسو با منافع خود، بر محتوا و رویکرد مورخان تأثیر مستقیم گذاشته‌اند. همان‌گونه که تغییر از دوره اصلاحات به حمیدیه موجب اسلامی‌سازی محتوای تاریخی شد، تغییر از خلافت اموی به عباسی نیز گفتمان‌های تاریخی متفاوتی را تقویت کرد [۱۱].

لیتل (۲۰۲۲) به بررسی نظریه "سنت سکولار" پاتریشیا کرون در تاریخ‌نگاری اسلامی اولیه و تبیین سه سنت متمایز "دینی"، "قبیله‌ای" و "سکولار" پرداخته است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که "سنت سکولار" به روایت‌های تاریخی دولت‌محور اشاره دارد که عمدتاً توسط نویسندگان طرفدار امویان مروانی تدوین شده‌اند. این یافته به طور مستقیم با موضوع تأثیر سیاست‌ورزی خلافت‌های اسلامی بر تاریخ‌نگاری مرتبط است و نشان می‌دهد که خلافت اموی با حمایت از ثبت مستمر کتبی وقایع، در شکل‌گیری و انتقال روایت‌های تاریخی همسو با منافع سیاسی خود نقش محوری داشته است. این سنت تاریخ‌نگاری دولت‌محور، ابزاری برای مشروعیت‌بخشی به خلافت اموی بوده است [۱۲].

انصاری و حسین (۲۰۲۳) به بررسی متون کلاسیک عربی درباره الهیات سیاسی خلافت و امامت و معرفی دیدگاه‌های شش مکتب کلامی اسلامی پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که هر مکتب کلامی متأثر از فضای سیاسی خاص خود، تفسیر متفاوتی از مشروعیت سیاسی و رهبری پس از پیامبر اسلام ارائه داده است. این یافته به طور مستقیم با موضوع تأثیر سیاست‌ورزی بر گرایش‌های محتوایی مورخان مرتبط است و نشان می‌دهد که تکرر کانون‌های قدرت در جهان اسلام، به تکرر گفتمان‌های تاریخی انجامیده است. مورخان وابسته به خلافت‌های متفاوت، روایت‌های متمایزی از مشروعیت سیاسی ارائه کرده‌اند که بازتاب‌دهنده منافع سیاسی حامیان آنها بوده است [۱۳].

بلال (۲۰۲۴) به بررسی روش‌های نقد تاریخی در تحلیل اثر "تاریخ الخلفاء" سیوطی و تمایز بین نقد درونی و بیرونی پرداخته است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که نقد درونی و بیرونی می‌تواند تعصبات و سوگیری‌های ناشی از سیاست‌ورزی را در متون تاریخی آشکار سازد. این یافته ابزاری کارآمد برای بررسی تأثیر سیاست‌ورزی خلافت‌های اسلامی بر گرایش‌های محتوایی مورخان ارائه می‌دهد. با استفاده از این روش‌های نقادانه می‌توان لایه‌های پنهان تأثیرپذیری مورخان قرون اولیه اسلامی از فضای سیاسی حاکم را آشکار ساخت و نشان داد چگونه روایت‌های تاریخی آنان در پیوند با منافع خلافت‌های حامی شکل گرفته است [۱۴].

ویجایا و همکاران (۲۰۲۴) به بررسی تحول مفهوم خلافت در تاریخ سیاسی اسلام و تغییر معنایی این مفهوم در دوره‌های مختلف پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که مفهوم خلافت متناسب با تحولات

سیاسی-اجتماعی هر دوره، بازتعریف شده است. این یافته به طور مستقیم با موضوع تأثیر سیاست‌ورزی بر گرایش‌های محتوایی مورخان مرتبط است و نشان می‌دهد که خلافت‌های اسلامی قرون اولیه نیز با بازتعریف مفاهیم کلیدی سیاسی، بر محتوای روایت‌های تاریخی تأثیر گذاشته‌اند. چنان‌که عباسیان با ارائه تفسیری متفاوت از مفهوم خلافت نسبت به امویان، گفتمان تاریخی جدیدی را شکل دادند که در آثار مورخان این دوره بازتاب یافته است [۱۵].

خضری و قاضی (۱۴۰۲) به بررسی تأثیر معتقدات دینی بر نگرش تاریخی مورخان مسلمان با تکیه بر مقدمه‌های آثار آنان پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که مقدمه‌های آثار تاریخی بازتاب‌دهنده نگرش و بینش مورخان هستند که عمیقاً متأثر از فضای سیاسی-مذهبی زمانه است. این یافته روشی نوآورانه برای بررسی تأثیر سیاست‌ورزی خلافت‌های اسلامی بر گرایش‌های محتوایی مورخان ارائه می‌دهد. تحلیل مقدمه‌های آثار طبری، مسعودی، یعقوبی و دیگر مورخان قرون اولیه اسلامی نشان می‌دهد که چگونه گفتمان‌های سیاسی-مذهبی مسلط در دوران امویان و عباسیان، چارچوب‌های فکری مورخان را شکل داده و بر روایت‌های تاریخی آنان تأثیر گذاشته است [۱۶].

سرافرازی و همکاران (۱۳۹۴) به بررسی تطبیقی روایت‌های مورخان سلسله صفوی و تحلیل تأثیر موقعیت اجتماعی و سیاسی آنان بر شکل‌گیری روایت‌های تاریخی پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که وابستگی به دربار تأثیر تعیین‌کننده‌ای بر محتوای روایت‌های تاریخی داشته و مورخان مستقل روایت‌های متفاوتی ارائه کرده‌اند. این یافته الگویی برای درک تأثیر سیاست‌ورزی خلافت‌های اسلامی بر گرایش‌های محتوایی مورخان قرون اولیه ارائه می‌دهد. همان‌گونه که در دوره صفوی، نظام حمایتی دربار، شبکه‌ای از مورخان وابسته ایجاد کرده بود، خلافت‌های اسلامی نیز با ایجاد شبکه‌های حمایتی، گفتمان‌های تاریخی همسو با منافع خود را تقویت می‌کردند [۱۷].

پاینده و همکاران (۱۴۰۰) به بررسی رویکرد اجتماعی فضل‌الله بن روزبهان خنجی و تلفیق عناصر فقهی-حقوقی با گزارش‌های تاریخی در آثار او پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که حتی در چارچوب تاریخ‌نگاری رسمی، تنوع رویکردها وجود داشته و مورخان در چارچوب گفتمان مسلط، نوآوری‌هایی داشته‌اند. این یافته برای درک پیچیدگی تأثیر سیاست‌ورزی خلافت‌های اسلامی بر گرایش‌های محتوایی مورخان اهمیت دارد و نشان می‌دهد که تأثیر نظام‌های سیاسی بر تاریخ‌نگاری، یکسان و یکپارچه نبوده است. مورخان قرون اولیه اسلامی نیز با خلاقیت‌های فردی، در چارچوب گفتمان‌های مسلط خلافت‌های حامی، روایت‌های متمایزی ارائه کرده‌اند [۱۸].

کرمعلی و همکاران (۱۴۰۰) به بررسی روایت مورخان صفوی از مواجهه‌های شاه-قرلباش و تحلیل گذار تدریجی از روایت‌های تقدس‌گرایانه به واقع‌گرایی پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که تحولات در ساختارهای قدرت به تغییر در گفتمان‌های تاریخی منجر شده است. این یافته الگویی کارآمد برای درک تأثیر تحولات سیاسی خلافت‌های اسلامی بر گرایش‌های محتوایی مورخان ارائه می‌دهد. به ویژه در دوره انتقال از خلافت اموی به عباسی، می‌توان تحول در گفتمان‌های تاریخی را مشاهده کرد. مورخان دوره عباسی با فاصله گرفتن از روایت‌های مشروعیت‌بخش امویان، گفتمان تاریخی جدیدی متناسب با منافع خلافت عباسی ارائه کردند [۱۹].

جدول ۱: ویژگی‌های مطالعات شناسایی شده

ردیف	نویسنده (سال)	عنوان پژوهش	فاکتور مؤثر	یافته‌ها	رفرنس
۱	سونمز (۲۰۲۲)	تاریخ‌نگاری در امپراتوری عثمانی قرن نوزدهم: گسترش، اسلامی‌سازی و ملی‌گرایی (1839-1908)	تحولات سیاسی-ایدئولوژیک دوره‌های تنظیمات، حمیدیه و مشروطه	نتایج نشان داد تغییرات سیاسی و ایدئولوژیک در هر دوره، به شکل‌گیری گفتمان‌های تاریخی متفاوت منجر شده است، الگویی که به تاریخ‌نگاری قرون اولیه اسلامی نیز قابل تعمیم است و نشان می‌دهد چگونه تغییر در ساختارهای سیاسی خلافت‌های اسلامی، گفتمان‌های تاریخی متمایز را شکل داده است.	[۱۱]
۲	لیتل (۲۰۲۲)	پاتریشیا کرون و "سنت سکولار" در تاریخ‌نگاری اسلامی اولیه: یک تفسیر	سه سنت متمایز "دینی"، "قبیله‌ای" و "سکولار" در تاریخ‌نگاری اسلامی	نتایج نشان داد "سنت سکولار" که مستقیماً با سیاست‌ورزی خلافت‌های اسلامی در ارتباط است، به روایت‌های تاریخی دولت‌محور اشاره دارد که عمدتاً توسط نویسندگان طرفدار امویان مروانی تدوین شده‌اند. این یافته تأیید می‌کند که وابستگی‌های سیاسی مورخان به خلافت اموی، محتوای روایت‌های تاریخی آنان را شکل داده است.	[۱۲]
۳	انصاری و حسین (۲۰۲۳)	خلافت و امامت: گزیده‌ای از متون مسلمانان قرون وسطی درباره الهیات سیاسی	تنوع دیدگاه‌های مکاتب کلامی اسلامی درباره مشروعیت سیاسی	نتایج نشان داد چگونه مناسبات قدرت سیاسی در جهان اسلام به شکل‌گیری گفتمان‌های متنوع و گاه متعارض درباره مفاهیم خلافت و امامت منجر شده است. این یافته اهمیت چندصدایی در تاریخ‌نگاری اسلامی را نشان می‌دهد و تأیید می‌کند که مورخان تحت تأثیر زمینه‌های سیاسی مختلف، تفسیرهای متفاوتی از مشروعیت سیاسی ارائه داده‌اند.	[۱۳]
۴	بلال (۲۰۲۴)	بررسی رویکردهای انتقادی به تحلیل تاریخی: ارزیابی جامع تاریخ الخلفاء نوشته جلال‌الدین سیوطی	نقد درونی و بیرونی در تحلیل متون تاریخی	نتایج نشان داد روش‌های نقد درونی و بیرونی در تحلیل متون تاریخی می‌تواند تعصبات و سوگیری‌های ناشی از سیاست‌ورزی خلافت‌های اسلامی را آشکار سازد. این یافته اهمیت رویکرد انتقادی در بررسی متون تاریخی قرون اولیه اسلامی را برجسته می‌کند و روش‌های عملی برای شناسایی تأثیرات ساختارهای سیاسی بر روایت‌های تاریخی ارائه می‌دهد.	[۱۴]

۵	ویجایا و همکاران (۲۰۲۴)	تحول مفهوم خلافت در تاریخ سیاسی اسلام: مطالعات موردی از دوره کلاسیک تا معاصر	تحولات سیاسی-اجتماعی دوره‌های مختلف تاریخی	نتایج نشان داد چگونه تحولات اجتماعی به دگرگونی مفهوم خلافت در متون تاریخی منجر شده است. این یافته نشان می‌دهد که تغییرات در ساختارهای سیاسی خلافت‌های اسلامی، به بازتعریف مفاهیم کلیدی در تاریخ‌نگاری انجامیده و گفتمان‌های تاریخی متفاوتی را شکل داده است.	[۱۵]
۶	خضری و قاضی (۱۴۰۲)	تأثیر معتقدات دینی بر نگرش تاریخی مورخان مسلمان بر پایه مقدمه‌های آنان	گرایش‌های دینی و مذهبی مورخان	نتایج نشان داد مقدمه‌های آثار تاریخی بازتاب‌دهنده نگرش مورخان هستند که عمیقاً متأثر از فضای سیاسی-مذهبی زمانه است. این یافته روشی نوآورانه برای شناسایی تأثیر سیاست‌ورزی خلافت‌های اسلامی بر بینش تاریخی مورخان ارائه می‌دهد و نشان می‌دهد چگونه گفتمان‌های سیاسی-مذهبی مسلط، چارچوب‌های فکری مورخان را شکل داده‌اند.	[۱۶]
۷	سرافرازی و همکاران (۱۳۹۴)	بررسی تطبیقی روایت‌های مورخان سلسله صفوی از دوره حکومت شاه عباس دوم	موقعیت اجتماعی سیاسی مورخان و وابستگی به دربار	نتایج نشان داد وابستگی به دربار تأثیر تعیین‌کننده‌ای بر روایت‌های تاریخی داشته است. این الگو قابل تعمیم به تاریخ‌نگاری قرون اولیه اسلامی است و نشان می‌دهد چگونه وابستگی مورخان به ساختارهای قدرت خلافت‌های اسلامی، محتوای روایت‌های تاریخی آنان را شکل داده و مورخان مستقل روایت‌های متفاوتی ارائه کرده‌اند.	[۱۷]
۸	پاینده و همکاران (۱۴۰۰)	رویکرد اجتماعی فضل‌الله بن روزبهان خنجی در تاریخ‌نگاری رسمی	تلفیق عناصر فقهی-حقوقی با گزارش‌های تاریخی	نتایج نشان داد حتی در تاریخ‌نگاری رسمی، تنوع رویکردها وجود داشته و مورخان در چارچوب گفتمان مسلط، نوآوری‌هایی داشته‌اند. این یافته پیچیدگی رابطه میان سیاست‌ورزی و تاریخ‌نگاری را نشان می‌دهد و تأیید می‌کند که تأثیر ساختارهای سیاسی بر متون تاریخی، یکسان و یکپارچه نبوده است.	[۱۸]
۹	کرملی و همکاران (۱۴۰۰)	مورخان و روایت آنان از نخستین مواجهه‌های شاه-قزلباش در تاریخ‌نگاری	گذار روایت‌های تقدس‌گرایانه به واقع‌گرایی	نتایج نشان داد تحولات در ساختارهای قدرت به تغییر در گفتمان‌های تاریخی منجر می‌شود. این الگو در تاریخ‌نگاری قرون اولیه اسلامی نیز	[۱۹]

قبیله‌ای و مذهبی خود و در بستر مناسبات قدرت میان خلافت‌های رقیب به روایت تاریخ پرداخته‌اند [۲۱].

در ادامه، ویژگی‌های اصلی مطالعات شناسایی شده در جدول ۱ ارائه شده است. این جدول خلاصه‌ای از مهم‌ترین ویژگی‌های ۱۱ پژوهش منتخب را نشان می‌دهد که به بررسی تأثیر سیاست‌ورزی و مناسبات قدرت بر گرایش‌های محتوایی مورخان در تدوین متون تاریخی پرداخته‌اند. بررسی این پژوهش‌ها نشان می‌دهد که عوامل سیاسی، ایدئولوژیک، مذهبی و هویتی نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری گفتمان‌های تاریخی داشته‌اند و مورخان در چارچوب‌های گفتمانی متأثر از ساختارهای قدرت زمانه خود به روایت تاریخ پرداخته‌اند. تحلیل این جدول زمینه را برای شناسایی الگوهای مشترک تأثیرگذاری سیاست‌ورزی خلافت‌های اسلامی بر تاریخ‌نگاری قرون اولیه فراهم می‌سازد.

۴.۳. مقایسه یافته‌های پژوهش‌ها

بررسی تطبیقی یافته‌های پژوهش‌های منتخب، الگوهای مشترکی را در زمینه تأثیر سیاست‌ورزی بر تاریخ‌نگاری آشکار می‌سازد. سونمز (۲۰۲۲) و ویجایا و همکاران (۲۰۲۴) هر دو به تأثیر تحولات سیاسی بر تغییر گفتمان‌های تاریخی پرداخته‌اند. سونمز نشان می‌دهد که چگونه تغییرات سیاسی در امپراتوری عثمانی قرن نوزدهم، شامل دوره اصلاحات تنظیمات (۱۸۳۹-۱۸۷۶)، عصر سلطان عبدالحمید دوم (۱۸۷۶-۱۹۰۸) و انقلاب مشروطه (۱۹۰۸)، به شکل‌گیری گفتمان‌های متفاوت در تاریخ‌نگاری منجر شده است [۱۱]. به طور مشابه، ویجایا و همکاران نشان می‌دهند که چگونه تحولات سیاسی به تغییر معنایی مفهوم خلافت از دوره کلاسیک تا معاصر انجامیده است [۱۵]. این یافته‌ها در کنار پژوهش کرمعلی و همکاران (۱۴۰۰) که گذار از روایت‌های تقدس‌گرایانه به واقع‌گرایی در تاریخ‌نگاری صفوی را نشان می‌دهند [۱۹]، الگویی مشترک را آشکار می‌سازند: تحولات در ساختارهای سیاسی به طور مستقیم به تحول در گفتمان‌های تاریخی منجر می‌شوند. این الگو برای درک تأثیر تغییر از خلافت اموی به عباسی بر گرایش‌های محتوایی مورخان قرون اولیه اسلامی کاربرد دارد.

مقایسه یافته‌های لیتل (۲۰۲۲) و خزانی و همکاران (۱۴۰۱) نشان می‌دهد که چگونه وابستگی‌های سیاسی-مذهبی مورخان، به شکل‌گیری سنت‌های متمایز تاریخ‌نگاری منجر شده است. لیتل با بررسی "سنت سکولار" نشان می‌دهد که این سنت عمدتاً توسط نویسندگان طرفدار امویان مروانی شکل گرفته است [۱۲]. به طور مشابه، این یافته‌ها با پژوهش انصاری و حسین (۲۰۲۳) که تنوع تفسیرهای مشروعیت سیاسی در مکاتب کلامی مختلف را نشان می‌دهد [۱۳]، همخوانی دارد. این مقایسه تطبیقی آشکار می‌سازد که تکرار کنون‌های قدرت در جهان اسلام، به تکرار سنت‌های تاریخ‌نگاری انجامیده و مورخان وابسته به جریان‌های سیاسی-مذهبی مختلف، روایت‌های متمایزی از رویدادهای مشابه ارائه کرده‌اند.

بررسی تطبیقی پژوهش‌های سرافرازی و همکاران (۱۳۹۴)، احمدی و حسن مصفا (۱۳۸۹)، و محمدی و فیضی (۱۳۹۹) نشان می‌دهد که موقعیت مورخان در مناسبات قدرت، نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری روایت‌های تاریخی داشته است. سرافرازی و همکاران نشان می‌دهند که وابستگی به دربار صفوی بر محتوای روایت‌های تاریخی تأثیر گذاشته است [۱۷]. به طور مشابه، احمدی و حسن مصفا نشان می‌دهند که مورخان اولیه گیلان تحت تأثیر اقتدار حاکمان کیایی قرار داشته‌اند [۲۰]. محمدی و فیضی نیز تأثیر هویت قومی و مناسبات قدرت بر روایت تاریخی شرفخان بدلیسی را آشکار

	صفویه	قابل مشاهده است و نشان می‌دهد چگونه دگرگونی‌های سیاسی در خلافت‌های اسلامی به تحول در شیوه‌های روایت‌گری مورخان انجامیده است.	
۱۰	احمدی و حسن مصفا (۱۳۸۹)	بررسی تطبیقی رویکرد سیاسی مورخان در تاریخ‌نگاری محلی گیلان از قرن نهم تا یازدهم هجری	مناسبات قدرت محلی و اقتدار حاکمان
۱۱	محمدی و فیضی (۱۳۹۹)	تحلیل رویکرد تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری شرفخان بدلیسی در شرفنامه	عوامل قومی و هویتی و مناسبات قدرت بین صفویان و عثمانیان

احمدی و حسن مصفا (۱۳۸۹) به بررسی تطبیقی رویکرد سیاسی مورخان در تاریخ‌نگاری محلی گیلان و تحلیل تأثیر مناسبات قدرت محلی بر تولید متون تاریخی پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که مورخان اولیه بیشتر تحت تأثیر جو حاکم و اقتدار حاکمان محلی قرار گرفته‌اند. این یافته الگویی برای درک تأثیر سیاست‌ورزی خلافت‌های اسلامی بر گرایش‌های محتوایی مورخان قرون اولیه ارائه می‌دهد. همان‌گونه که اقتدار حاکمان محلی در گیلان بر جهت‌گیری روایت‌های تاریخی تأثیر گذاشته، اقتدار خلفای اموی و عباسی نیز بر گرایش‌های محتوایی مورخان تأثیر مستقیم داشته و آنان در فضای گفتمانی متأثر از ساختارهای قدرت خلافت به روایت تاریخ پرداخته‌اند [۲۰].

محمدی و فیضی (۱۳۹۹) به تحلیل رویکرد تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری شرفخان بدلیسی و بررسی نقش عوامل قومی و هویتی در شکل‌گیری روایت تاریخی او پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که هویت قومی مورخ و مناسبات قدرت میان دولت‌ها تأثیر مستقیمی بر شکل‌گیری روایت تاریخی دارد. این یافته برای درک تأثیر سیاست‌ورزی خلافت‌های اسلامی بر گرایش‌های محتوایی مورخان قرون اولیه اهمیت دارد و نشان می‌دهد که علاوه بر عوامل سیاسی، عوامل هویتی نیز در شکل‌گیری روایت‌های تاریخی نقش داشته‌اند. مورخان قرون اولیه اسلامی نیز متأثر از هویت‌های قومی،

سیاسی تولید نشده‌اند و بازتاب‌دهنده تعاملات پیچیده میان ساختارهای سیاسی و تولید دانش تاریخی در جهان اسلام هستند. مورخان این دوره، در چارچوب‌های گفتمانی متأثر از ساختارهای سیاسی زمانه خود به روایت تاریخ پرداخته‌اند و روایت‌های آنان به نحوی بازتاب‌دهنده منافع و گفتمان‌های مسلط خلافت‌های حامی بوده است. با این حال، پیچیدگی این تأثیرگذاری و وجود صداهاى متکثر در تاریخ‌نگاری اسلامی، ضرورت رویکردی چندبعدی و انتقادی در خوانش این متون را آشکار می‌سازد.

پیشنهادهای پژوهش‌های آینده:

- بررسی تطبیقی آثار مورخان مستقل و وابسته به دربار خلافت در قرون اولیه اسلامی جهت شناسایی تفاوت‌های گفتمانی.
 - تحلیل روایت‌های متعارض از یک رویداد واحد در متون تاریخی اسلامی با تمرکز بر زمینه‌های سیاسی تولید آن‌ها.
 - واکاوی روش‌های مقاومت مورخان در برابر گفتمان‌های مسلط و چگونگی بازنمایی صداهاى به حاشیه رانده شده.
- کاربرد نظریه‌های انتقادی معاصر (مانند نظریه‌های فوکو، بورديو و اسپيوک) در تحلیل رابطه قدرت-دانش در متون تاریخی اسلامی.

مراجع

- [۱] دهقان پور، ز. (۱۳۹۷). هدف و شیوه بیان گزاره‌های تاریخی در قرآن (الگوی برای مورخان و مدرسان). چهارمین کنگره بین‌المللی فرهنگ و اندیشه دینی.
- [۲] موسوی سیانی، س.، و خاکرند، ش. (۱۳۹۶). مورخان روایت‌های تاریخی را کشف می‌کنند یا بر می‌سازند؟. *روش‌شناسی علوم انسانی*، ۱۶۱-۱۸۴.
- [۳] الویری، م. (۱۴۰۰). نگاه تاریخی قرآن و تاریخ‌نگاری مورخان مسلمان: بررسی موردی علت پیروزی مسلمانان در غزه بدر. *پژوهش‌نامه تاریخ اسلام*، ۲۳-۴۵.
- [۴] کعبی، ع.، الهایی، ه.، و محمودی برام، ح. (۱۳۹۴). خطاهای مورخان: رویکرد تاریخی میان روایت (نقل) و عقل. *جندی شاپور*، ۲.
- [۵] یغمایی، ا.، و پورشعانیان، ز. (۱۳۹۳). هویت تاریخی جغرافیای همدان در متون مورخان اسلامی از آغاز تا عصر قاجار. *سخن تاریخ*، ۲۰، ۲۹.
- [۶] حسین پور اصل، س. (۱۳۹۸). بازتاب وقایع دوران خلافت امام علی در تاریخ‌نگاری عثمانی و بررسی تطبیقی آن با مورخان شیعی. *چهارمین کنفرانس بین‌المللی مطالعات زبان، ادبیات، فرهنگ و تاریخ*.
- [۷] احمدنژاد، م.، و پورسیاه، ف. (۱۳۹۹). تحلیل انتقادی گفتمان آثار شرق‌شناسان و مورخان غربی در بازنمایی صلاح‌الدین ایوبی. *دومین همایش مشترک بین‌المللی مطالعات زبان و ادبیات کردی - زبان‌شناسی و بوطیقا*.
- [۸] احمدوند، ز.، و قدیری، ز. (۱۴۰۰). جغرافیای تاریخی منطقه ارمنیه از منظر مورخان و جغرافی‌دانان مسلمان (از قرن اول تا نهم هجری قمری). *برنامه‌ریزی فضایی جغرافیا*، ۱، ۲۷-۴۶.
- [۹] الهیاری، ف.، و آهنگران، ا. (۱۳۹۰). جغرافیای تاریخی قفقاز از منظر مورخان و جغرافی‌دانان مسلمان. *تحقیقات جغرافیایی*، ۲، ۱۹۹-۲۱۸.
- [۱۰] الویری، م. (۱۳۹۹). نگاه تاریخی قرآن و تاریخ‌نگاری مورخان مسلمان: بررسی موردی علت پیروزی مسلمانان در غزه بدر. *پژوهش‌نامه تاریخ اسلام*، ۲۳-۴۵.
- [11] Sönmez, E. (2022). Historical Writing in the Nineteenth-Century Ottoman Empire: Expansion, Islamization, and Nationalization (1839-1908). *Turkish Historical Review*, 13(1-2), 42-66.

می‌سازند [۲۱]. این یافته‌ها در کنار پژوهش پاینده و همکاران (۱۴۰۰) که تنوع رویکردها در چارچوب تاریخ‌نگاری رسمی را نشان می‌دهند [۱۸]، الگویی پیچیده از تأثیر مناسبات قدرت بر تاریخ‌نگاری را آشکار می‌سازند: مورخان وابسته به دربار گرایش به روایت‌های همسو با منافع حامیان خود داشته‌اند، اما حتی در چارچوب این وابستگی، نوآوری‌هایی نیز وجود داشته است. این الگو برای درک تأثیر سیاست‌ورزی خلافت‌های اسلامی بر گرایش‌های محتوایی مورخان قرون اولیه اهمیت بسزایی دارد.

۴. نتیجه‌گیری

بررسی تأثیر سیاست‌ورزی خلافت‌های اسلامی بر گرایش‌های محتوایی مورخان نشان می‌دهد که تاریخ‌نگاری قرون اولیه اسلامی در بستری عمیقاً سیاسی شکل گرفته است. مورخان این دوره در فضایی فعالیت می‌کردند که با سازوکارهای متعدد قدرت سیاسی، از حمایت‌های مالی گرفته تا محدودیت‌های فکری و گفتمان‌سازی، احاطه شده بود. خلافت‌های امویان و عباسیان با ایجاد چارچوب‌های گفتمانی خاص، مسیر تاریخ‌نگاری را هدایت می‌کردند و مورخان، آگاهانه یا ناآگاهانه، در این مسیر گام برمی‌داشتند. بازخوانی انتقادی متون تاریخی این دوره، مستلزم شناخت این فضای سیاسی و چگونگی تأثیرگذاری آن بر محتوای تاریخی است. این پژوهش با هدف تبیین مکانیسم‌های این تأثیرگذاری و آشکارسازی لایه‌های پنهان تعامل میان قدرت سیاسی و تولید دانش تاریخی در قرون اولیه اسلامی انجام شده است. این مطالعه با رویکرد مرور نظام‌مند ادبیات انجام شده و با جستجو در پایگاه‌های داده‌ای معتبر بین‌المللی (Web of Science, Scopus, PubMed و Google Scholar) و داخلی (SID، علم‌نت، مگیران، نورمگز و ایرانداک) به بررسی پژوهش‌های منتشر شده در بازه زمانی ۲۰۱۰-۲۰۲۴ (۱۳۸۹-۱۴۰۲) پرداخته است. پس از جستجوی اولیه، ۶۰۰ مقاله شناسایی شد که با اعمال معیارهای ورود (مرتبط بودن با موضوع، روش‌شناسی شفاف، رویکرد تحلیلی-انتقادی، انتشار در منابع معتبر، دسترسی به متن کامل) و خروج (تمرکز بر دوره‌های غیر از قرون اولیه، تمرکز صرف بر جنبه‌های ادبی، فقدان روش‌شناسی شفاف، انتشار در منابع غیرمعتبر، محتوای تکراری)، در نهایت ۱۱ پژوهش با بالاترین کیفیت علمی و بیشترین ارتباط با هدف پژوهش برای تحلیل نهایی انتخاب شدند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که سیاست‌ورزی خلافت‌های اسلامی از طریق مکانیسم‌های متعددی بر گرایش‌های محتوایی مورخان تأثیر گذاشته است. تحولات سیاسی-ایدئولوژیک در ساختار خلافت، به شکل‌گیری گفتمان‌های تاریخی متفاوت منجر شده، چنان‌که تغییر از خلافت اموی به عباسی، تحولی بنیادین در رویکردهای تاریخ‌نگارانه ایجاد کرده است. وابستگی‌های سیاسی-مذهبی مورخان به سنت‌های متمایز تاریخ‌نگاری انجامیده و مورخان وابسته به جریان‌های مختلف، روایت‌های متفاوتی از رویدادهای مشابه ارائه کرده‌اند. موقعیت مورخان در مناسبات قدرت، تأثیر تعیین‌کننده‌ای بر محتوای روایت‌های تاریخی داشته، به گونه‌ای که مورخان وابسته به دربار خلافت، گرایش به روایت‌های همسو با منافع حامیان خود داشته‌اند. با این حال، تأثیر سیاست‌ورزی بر تاریخ‌نگاری یکسان و یکپارچه نبوده و مورخان، حتی در چارچوب گفتمان‌های مسلط، گاه نوآوری‌هایی نیز داشته‌اند. همچنین، عوامل هویتی در کنار عوامل سیاسی، نقش مهمی در شکل‌گیری روایت‌های تاریخی ایفا کرده و مورخان متأثر از هویت‌های قومی، قبیله‌ای و مذهبی خود، در بستر مناسبات قدرت میان خلافت‌های رقیب به روایت تاریخ پرداخته‌اند. به طور کلی، می‌توان نتیجه گرفت که متون تاریخی قرون اولیه اسلامی در خلا

- ۱۰۷۷ق). پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد.
- [۱۸] پاینده، م.، ابطحی، ع.، و جدیدی، ن. (۱۴۰۰). رویکرد اجتماعی فضل‌الله بن روزبهان خنجی در تاریخ‌نگاری رسمی. *مطالعات تاریخ اسلام*، ۴۹، ۷-۳۰.
- [۱۹] کرمعلی، ا.، ذهابی، م.، و معینی، م. (۱۴۰۰). مورخان و روایت آنان از نخستین مواجهه‌های شاه-قزلباش در تاریخ‌نگاری صفویه. *مطالعات تاریخ اسلام*، ۴۹، ۷۷-۹۶.
- [۲۰] احمدی، ن.، و حسن مصفا، ز. (۱۳۸۹). بررسی تطبیقی رویکرد سیاسی مورخان در تاریخ‌نگاری محلی گیلان از قرن نهم تا یازدهم ه.ق. با تکیه بر روش و بینش مورخان. *تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری*، ۵، ۱-۲۰.
- [۲۱] محمدی، ذ.، و فیضی، ک. (۱۳۹۹). تحلیل رویکرد تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری شرفخان بدلیسی در شرفنامه. *تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری*، ۲۵، ۲۶۹-۲۹۵.
- [12] Little, J. J. (2022). Patricia Crone and the "secular tradition" of early Islamic historiography: An exegesis. *History Compass*, 20(9), e12747.
- [13] Ansari, H., & Husayn, N. (Eds.). (2023). *Caliphate and imamate: an anthology of medieval Muslim texts on political theology*. Cambridge University Press.
- [14] Bilal, B. S. (2024). Exploring Critical Approaches to Historical Analysis: A Comprehensive Assessment of Tārīkh al-Khulafā' by Jalal al-Dīn 'Abd al-Rahmān al-Ṣuyūṭī. *Journal of Islamic History and Manuscript*, 3(2), 99-114.
- [15] Wijaya, W., Razak, F., & Huda, N. (2024). The Evolution of the Concept of Caliphate in Islamic Political History: Case Studies from Classical to Contemporary Times. *Journal of Noesantara Islamic Studies*, 1(6), 379-391.
- [۱۶] خضری، س. ا.، و قاضی، ج. (۱۴۰۲). تأثیر معتقدات دینی بر نگرش تاریخی مورخان مسلمان بر پایه‌ی مقدمه‌های آنان. *پژوهش‌نامه تاریخ اسلام*، ۲، ۷۵-۹۲.
- [۱۷] سرافرازی، ع.، ناظمیان فرد، ع.، و قربان‌زاده، م. (۱۳۹۴). بررسی تطبیقی روایت‌های مورخان سلسله صفوی از دوره حکومت شاه عباس دوم (۱۰۵۲-۱۰۵۲).